



فاتح سامع  
2022/11/14

## نکاهی گذرا به شکل گیری اوضاع

طوری که می دانید موقعیت حساس جغرافیوی افغانستان معاصر و خراسان باستان از گذشته های دور تا زمان حال یکی از دلایل مداخلات ، تجاوزات ، لشکر کشی ها و چپاولگری های قدرت های مطرح زمان بوده است . تاریخ این سر زمین لشکر کشی اسکندر مقدونی ، عرب های وحشی ، چنگیز و تیمور کورکانی ، امپراطوری استعماری هند بریتانوی ، روس و سر انجام حضور و اشغال امریکا و متحدین ناتو را در خود ثبت دارد . تجاوز کران نیم قرن اخیر را طور مستقیم و یا به همیاری نیروهای نیابتی شان که شامل دهشت افگنان خارجی چندین ملیتی و طالبان ساخت ماشین های جوچه کشی مدارس دیوبندی- فرنگی است ، شاهد هستیم .

با این پیشگفتار کوتاه بدون توجه به تاریخ دو صد و هفتاد سال گذشته ، تنها طی هفتاد سال گذشته و اندی ، به ویژه در پنجاه سال اخیر تبعات ویرانگر تقابل و جهت گیری های دوا بر قدرت مطرح زمان ، اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی و ایالات متحده امریکا را نه می توان نادیده گرفت .

جنگ های افغانستان و درگیری های ویرانگر داخلی، ظاهرا میان احزاب و گروه های راست و چپ ، افراطی و معتدل ، جهادی و طالبی

در حقیقت نبرد پنهان و پیدا میان امریکا و شوروی بوده است . حاکمان وابسته به فرارگاه شرق و غرب جز پیاده های شطرنج و عامل تطبیق اهداف بیکانگان کما فی السابق چندان نقشی در تغییر و تحول اوضاع کشور نداشتند، بلکه با بی کفایتی در اداره امور در روند تخریب آن به گونه سهیم بودند .

زعمای وابسته در طول تاریخ بنا بر ضرورت و مجبوری و اتکا و وابستگی با یکی از این قرار گاه ها برای ادامه قدرت پوشالی و بقای موقتی خویش به نوعی پیوند داشتند .  
وابستگی بیشتر در دریافت پول ، سلاح ، غذا و دوا و کمک های سیاسی و دیپلماتیک در جوامع محافل و جوامع بین المللی هویدا بود .

با توجه به نکات بالا در حقیقت جنگ میان شوروی و امریکا طور غیر مستقیم، اما بشدت تمام در عرصه نظامی ، سیاسی و تبلیغاتی ادامه داشت . دلایل تاریخی ، انتقام جویی تاریخی ( انتقام شکست جنگ ویتنام ) رقابت با همدیگر یک قطبی شدن جهان و احراز مقام یکانه پیامد تقابل سر انحام به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور امریکا به مثابه یگانه ابر قدرت در جهان .

پیامد ناکوار آن به فروپاشی نظام ها در چندین کشور به شمول عراق ، لیبیا ، افغانستان و ویرانی سوریه منجر شد . تلفات ، مهاجرت ها و ویرانگری راهمه شاهد هستیم . در تسریع این روند زعمای اتحاد شوروی مانند ایلسن خمار و دایم الخمر و گرباچوف شیفته باز سازی نمایشی پروستریکا ، نقش کلیدی داشتند .

اتحاد ایالات امپراطوری شوروی عظیم که ثمره انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به رهبری لینن و استبداد استالین بود توسط فرد اول کشور ، میخایلگر باچوف برهم خورد و شیرازه اتحاد پس از هفتاد سال از هم پاشید . کشور های ضعیف و مستقل در نتیجه عدم مدیریت بحران و بیکیفیتی زمامداران بی وجدان و فریب خورده ایجاد شد . در سر زمین بزرگ اتحاد شوروی کشور کوچک سمارقی کونه و ضعیف به وجود آمدند .

روسیه در گیر تکانه گنج کننده پس از فروپاشی وبا مشکلات عدیده داخلی و تشدید فعالیت های غربی ها در جهت هر چه بیشتر تضعیف خود گردید تا بار دیگر مجال نیابد و هر گز توانایی ظهور مجدد را به حیث یک ابر قدرت رقیب امریکا در عرصه بین المللی کسب نکند .

در این مدت رخوت و رکود و سکوت ، روسیه زیر رهبری و پلانگذاری پوتین با تقویه و توسعه سلاح های استر اتیژیک پرداخت . از لحاظ اقتصادی جان گرفت ، فعالیت بازرگانی و فروش گاز و نفت و منابع سرشار طبیعی آن کشور در تسریع تطبیق و تحقق برنامه های توسعه نقش چشمگیر بازی کرد . با وجودیکه با تعزیرات اقتصادی تحریم های خصمانه زیادی از طرف غرب مواجه بود .

پیشروی غرب در ایالات تازه به استقلال رسیده اتحاد شوروی سابق و خزیدن تدریجی آن در پشت مرز های روسیه که سر انجام به خلع سلاح و امحای کامل آن پایان بیابد باگذشت هر روز نزدیک تر می شد و عرصه را بر روسیه تنگتر می ساخت .

پیوستن اوکراین به عضویت ناتو و تقویه و تسلیح آن زنگ خطر را به صدا آورد . بنابراین پوتین و هر زعیم مدبر دیگر هر گز نه میتوانست تا با اغماض از خطر بالقوه بگذرد و خاموش بماند . کار و عملکرد پوتین به نظرم یگانه گزینه عندالموقع و غیر قابل تعویض بود ، با وجودیکه تلفات انسانی و جنایات و ویرانگری در پی داشت .

فراموش نکنیم که رسانه های غربی با سانسور پخش اخبار روسیه تبلیغات گسترده بی بنیاد ، خصمانه و جانبدارانه را از آغاز درگیری در اوکراین بر ضد پوتین و روسیه پخش می کنند . مگر روز تا روز پیشروی نظامی روسیه ، فضای را در اروپا به وجود آورده و اعتراضات ضد پالیسی امریکا اوج گرفته است و اروپا قربانی سیاست امریکا شده است .

پوتین در شرایط کنونی از حمایت مردم روس و مناطق آسیای میانه بر خوردار است . علاوه بران اتحاد ایران ، چین و همگرایی هند با سیاست های پوتین بیانگر آنست که امریکا دیگر به مثابه یگانه ابر قدرت در تصمیم گیری های جهانی مطرح نیست ، بلکه سازمان همکاری شانکای (اس سی او ) به عضویت هشت کشور به شمول (چین و روس هند ، ایران ، پاکستان تاجکستان ، ازبکستان ، قرغستان ، قزاقستان ) به مفهوم پیمان همکاری در مقابل امریکا و ناتو عرض اندام کرده است که بر هژمونی آن در آسیا ایستادگی می کنند .

بنابراین برای پوتین چاره دیگر وجود نداشت . البته خبط های ظاهری جنبه تبلیغات رسانه ای دارد که بیشتر از طرف م تابع استخباراتی غرب منشا می گیرد . از جانبی دیگر دولت های عمیق برای تضعیف رقبای نوظهور اقتصادی و نظامی خود از هیچ گونه تلاش دریغ نه می ورزند .

تسلیمی قدرت به طالبان در یک توطیه دوامدار و مهندسی شده و سقوط رژیم های فاسد اشرف غنی و کرزی زیر نام انتخابات تقلبی و دیموکراسی قلابی آخر الامر زیر حاکمیت پاکستان و تراکم و تجمع دهشت افکنان در شمال و سر تا سر افغانستان ، ایحاد نارامی ، وجوامع بین المللی هویدا بود . نفاق قومی فعالیت های قاچاق موادمخدر و مافیایی در پهلوی دامن زدن به جنگ اوکراین تلاش دیگری است که از جنوب روسیه را در گیر بحران تازه و نارامی بسازد .  
**البته روسیه و متحدین آن از این توطیه آگاهی و آمادگی دارند .**

تنها جای تاسف است که در این بازی ها بنا بر موقعیت حساس جغرافیوی افغانستان ، مردمان آن دست خوش آینده نامعلوم و مجهول اند .

اما از قراین بر می آید و با اطمینان می توان گفت که امریکا با این سیاست های ماجراجویانه به شکست مواجه می شود و نه می تواند پاکستان، متحد خود را از درگیری بحران داخلی نجات بدهد و به احتمال قوی به دامن جمهوری خلق چین می لغزد و یا به جنگ داخلی می انجامد.

حمله بر عمران خان آغاز بحران سیاسی دوامدار در پاکستان است .

ناگفته نماند که آخوند های ایران با وجود دوام تظاهرات کاملا بر اوضاع حاکم هستند و سپاه پاسداران کنترل اوضاع را بدست دارند و تا تلفات پنج میلیون نفر هم نه می گذارند تا نظام ایران را از هم فروبپاشد و از تبعات ناگوار آن آگاهی کامل دارند .

در شرایط کنونی ثبات سیاسی حتی در زیر زعامت آخوند های ایران مهم و حیاتی است و بر اوضاع کشور ما بی تاثیر نیست . هر نوع بی ثباتی در ایران برای افغانستان ویرانگر خواهد شد.